Буриад-Монголиин УНЭН
Буриад-Монголын Засаг захиргаа, хөдөлмөрчдийн депутатуудын Зөвлөлтийн Сонин
Gazar byriin politaarnuud negedegeit
Buriaad - Mongoliin YNEN
№ 42 (422) год издания VII. Воскресение 17 Августа 1930 г.
Гэлэрэ гаргадаг: Буриад-Монголын Засаг захиргаа, хөдөлмөрчдийн депутатуудын Зөвлөлтийн Сонин
Издается Бурятским Областным Исполнительным Комитетом Советов Депутатов Трудящихся

«Монгол Нутаг дахь Хятадын Консулын Ажлын Тухай Асуулт»

Монгол Нутаг дахь Хятадын Консулын Ажлын Тухай Асуултыг Хятадын Консулын Ажлын Тухай Комисс Хэлэлцэв.

Монгол Нутаг дахь Хятадын Консулын Ажлын Тухай Комисс Хятадын Консулын Ажлын Тухай Асуултыг Хэлэлцэж, Дараах Шийдвэрийг Гаргаж Батлав.

1. Монгол Нутаг дахь Хятадын Консулын Ажлын Тухай Комисс Хятадын Консулын Ажлын Тухай Асуултыг Хэлэлцэж, Дараах Шийдвэрийг Гаргаж Батлав.

2. Монгол Нутаг дахь Хятадын Консулын Ажлын Тухай Комисс Хятадын Консулын Ажлын Тухай Асуултыг Хэлэлцэж, Дараах Шийдвэрийг Гаргаж Батлав.

3. Монгол Нутаг дахь Хятадын Консулын Ажлын Тухай Комисс Хятадын Консулын Ажлын Тухай Асуултыг Хэлэлцэж, Дараах Шийдвэрийг Гаргаж Батлав.

4. Монгол Нутаг дахь Хятадын Консулын Ажлын Тухай Комисс Хятадын Консулын Ажлын Тухай Асуултыг Хэлэлцэж, Дараах Шийдвэрийг Гаргаж Батлав.

5. Монгол Нутаг дахь Хятадын Консулын Ажлын Тухай Комисс Хятадын Консулын Ажлын Тухай Асуултыг Хэлэлцэж, Дараах Шийдвэрийг Гаргаж Батлав.

6. Монгол Нутаг дахь Хятадын Консулын Ажлын Тухай Комисс Хятадын Консулын Ажлын Тухай Асуултыг Хэлэлцэж, Дараах Шийдвэрийг Гаргаж Батлав.

Монгол Нутаг дахь Хятадын Консулын Ажлын Тухай Асуулт

ملاحظات و اخبار محلی

« ۱۰ سال در خدمت ملت و حقیقت »

حقیقت در ۱۰ سال گذشته با چه مشکلاتی روبرو بود و چگونه توانست با پشتیبانی مردم بر آنها غلبه کند

در ۱۰ سال گذشته حقیقت با مشکلات بسیار روبرو بود. نخست کمبود کاغذ، سپس تهدیدهای مکرر، و سرانجام توقیف چند ماهه. با این همه، حقیقت توانست با پشتیبانی مردم بر همه این موانع غلبه کند و امروز به یکی از پرخواننده‌ترین نشریات کشور تبدیل شود.

« ۱۰ سال پیش، در حالی که بسیاری از روزنامه‌ها یا تعطیل شدند یا به بوق تبلیغاتی قدرت تبدیل شدند، حقیقت تصمیم گرفت که راه مستقل خود را ادامه دهد. این تصمیم هزینه‌های زیادی داشت. ما بارها با کمبود کاغذ روبرو شدیم، مجبور شدیم تیراژ خود را کاهش دهیم، و در چند نوبت توقیف شدیم. اما هیچ‌گاه حاضر نشدیم که از حقیقت کوتاه بیاییم. این ۱۰ سال نشان داد که ملت ما به روزنامه‌ای که از او دفاع کند نیاز دارد. و ما تا زمانی که ملت ما ما را می‌خواند، ادامه خواهیم داد. »

در این ۱۰ سال، حقیقت بیش از ۲۰۰۰ شماره منتشر کرده است. تیراژ روزانه از ۱۲۰۰ نسخه در سال اول به بیش از ۱۵۰۰۰ نسخه در سال جاری رسیده است. این رشد بدون حمایت مالی نهادهای بزرگ و تنها با کمک خوانندگان و آگهی‌های کوچک تجاری ممکن شد. حقیقت هیچ بودجه دولتی دریافت نکرده و تمام هزینه‌ها از طریق فروش نسخه‌ها و آگهی‌ها تأمین شده است.

« ما در این ۱۰ سال یاد گرفتیم که رسانه مستقل یعنی چه. یعنی گاهی باید در برابر قدرت ایستاد، حتی وقتی که هزینه‌ها بالا می‌رود و فشارها زیاد می‌شود. ما یاد گرفتیم که حقیقت را نباید فروخت، حتی وقتی که پیشنهادها وسوسه‌کننده باشند. ما یاد گرفتیم که خواننده ما از ما انتظار دارد که صادق باشیم، حتی وقتی که حقیقت تلخ است. این درس‌ها بهای زیادی داشتند، اما ارزش آن را دارند. »

در این ۱۰ سال، حقیقت با ۱۲ سردبیر مختلف کار کرده است. برخی از آنان اکنون در رسانه‌های دیگر فعالیت می‌کنند و برخی دیگر به زندگی خصوصی رفته‌اند. اما همه آنان یک چیز را به حقیقت آورده‌اند: تجربه کار در رسانه‌ای که به مردم پاسخگو است. حقیقت همچنین ۴۰ خبرنگار و ۱۲ ویراستار را آموزش داده است که اکنون در رسانه‌های دیگر کار می‌کنند.

« ما می‌دانیم که رقبای ما قدرتمندتر هستند. ما می‌دانیم که بودجه ما در مقایسه با آنها ناچیز است. اما ما چیزی داریم که آنها ندارند: اعتماد مردم. هر بار که یک خواننده به ما زنگ می‌زند و می‌گوید که ما را می‌خواند، ما می‌دانیم که کار ما ارزش دارد. این اعتماد سرمایه ما است و ما آن را با هیچ چیز معامله نمی‌کنیم. »

در این ۱۰ سال، حقیقت با ۳۲ شکایت حقوقی روبرو بوده است. ۱۴ شکایت از سوی مقامات محلی، ۱۰ شکایت از سوی بازرگانان، و ۸ شکایت از سوی افراد. از این شکایات، ۲۱ مورد به نفع حقیقت رأی داده شد، ۹ مورد به تساوی انجامید و ۲ مورد هنوز در جریان است. حقیقت هیچ جریمه قابل توجهی پرداخت نکرده است. این آمار نشان می‌دهد که حقیقت در دادگاه‌ها نیز از حق خود دفاع کرده است.

« ما از همه خوانندگان، نویسندگان، تبلیغ‌کنندگان و همکاران سابق تشکر می‌کنیم. بدون شما، این ۱۰ سال ممکن نبود. ما به راه ادامه می‌دهیم، با همان روحیه که در روز اول داشتیم: روزنامه‌ای که به مردم تعلق دارد، نه به قدرت. ۱۰ سال دیگر، ۲۰ سال دیگر، تا زمانی که ملت ما ما را می‌خواند، ما ادامه می‌دهیم. »

« ۱۰ سال پیش در حقیقت چه نوشتیم »

« ۱۰ سال پیش در حقیقت »

۱۰ سال پیش، در ۱۴ مارس ۱۹۳۰، حقیقت شماره اول خود را منتشر کرد. در آن روز، ما ۱۲ صفحه داشتیم و تیراژ ما ۱۲۰۰ نسخه بود. در آن روز، هیچ کس نمی‌دانست که این روزنامه تا ۱۰ سال دیگر چه سرنوشتی خواهد داشت. اما ما می‌دانستیم که چرا آن را منتشر کرده‌ایم. این بخش، مرور ۱۰ سال گذشته حقیقت است، با همان زبان و همان دغدغه‌هایی که در آن روز داشتیم.

« ۶ ژانویه ۱۹۳۰ — سردبیر حقیقت، علی‌اکبر نوری، در سرمقاله نوشت: « ما روزنامه‌ای می‌خواهیم که نه به قدرت تعلق دارد و نه به ثروتمندان. ما روزنامه‌ای می‌خواهیم که به مردم تعلق دارد. اگر ۱۰۰۰ نفر ما را بخوانند، ما ادامه می‌دهیم. اگر ۱۰ نفر ما را بخوانند، ما باز هم ادامه می‌دهیم. زیرا حقیقت برای ۱۰ نفر هم ارزش دارد. »

« ۸ ژانویه ۱۹۳۰ — نخستین گزارش حقیقت درباره قیمت نان در بازار مرکزی منتشر شد. گزارش نشان داد که قیمت نان در ۳ ماه گذشته ۴۰ درصد افزایش یافته است. این گزارش باعث شد که ۲ نانوا مورد بازپرسی قرار گیرند. این اولین گزارش حقیقت بود که مستقیماً به زندگی مردم مربوط می‌شد.

« ۱۲ ژانویه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک کشاورز منتشر کرد. کشاورز گفت: « ما مالیات می‌دهیم اما هیچ کس از ما نمی‌پرسد که ما چه می‌کاریم. ما روزنامه‌ای می‌خواهیم که از ما بپرسد. » این مصاحبه بازتاب گسترده‌ای در روستاها داشت و تیراژ روز بعد به ۱۵۰۰ نسخه رسید.

« ۱۴ ژانویه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین تیتر خود را درباره کمبود کاغذ زد. ما ۳ روز نتوانستیم چاپ کنیم. این اولین بار بود که ما با مشکل کاغذ روبرو شدیم. ما به خوانندگان گفتیم که چرا روزنامه نیامده است. این صداقت باعث شد که خوانندگان بیشتری به ما اعتماد کنند.

« ۱۸ ژانویه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین نامه خود را از خوانندگان چاپ کرد. نامه‌ها از ۱۲ شهر مختلف آمده بود. یکی از خوانندگان نوشت: « من سواد ندارم اما کسی برای من می‌خواند. من می‌خواهم بدانم که چرا آب روستای ما هنوز لوله‌کشی نشده است. » این نامه باعث شد که حقیقت یک بخش ثابت به نامه‌ها اختصاص دهد.

« ۲۰ ژانویه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره بیکاری را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲۰ کارگر در ۳ ماه گذشته اخراج شده‌اند و هیچ توضیحی به آنان داده نشده است. این گزارش باعث شد که ۳ کارگر به حقیقت مراجعه کنند و شکایت خود را مطرح کنند. این اولین بار بود که یک روزنامه از طرف کارگران صحبت می‌کرد.

« ۲۵ ژانویه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین سرمقاله خود را درباره آموزش نوشت. سرمقاله نوشت: « یک روستا بدون مدرسه، یک روستا بدون آینده است. ما می‌خواهیم بدانیم که چرا بودجه آموزش روستاها ۱۰ برابر کمتر از بودجه شهرهاست. » این سرمقاله باعث شد که ۲ نماینده مجلس درباره بودجه آموزش سؤال کنند. این اولین بار بود که یک روزنامه بر سیاست آموزشی تأثیر می‌گذاشت.

« ۳۰ ژانویه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره بهداشت روستاها را منتشر کرد. گزارش نشان داد که در ۱۲ روستا هیچ پزشکی وجود ندارد و مردم برای درمان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که وزارت بهداشت ۳ پزشک به منطقه اعزام کند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام پزشک به روستا شد.

« ۱ فوریه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک معلم روستایی منتشر کرد. معلم گفت: « من ۱۲ کودک دارم که هر روز ۳ ساعت راه می‌روند تا به مدرسه برسند. اما هیچ کس از ما نمی‌پرسد که ما چه می‌خواهیم. » این مصاحبه باعث شد که ۲ روستا درخواست مدرسه بدهند. این اولین بار بود که یک معلم روستایی با روزنامه صحبت می‌کرد.

« ۵ فوریه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین نامه خود را از یک زن بیسواد چاپ کرد. زن نوشت: « من نمی‌دانم چه بنویسم اما می‌خواهم بگویم که شوهرم را به زندان برده‌اند و کسی به ما کمک نمی‌کند. » این نامه باعث شد که ۳ خانواده دیگر نامه بنویسند. این اولین بار بود که یک روزنامه به نامه‌های بیسوادان پاسخ می‌داد.

« ۱۰ فوریه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره فساد در شهرداری را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۳ مورد اختلاس در ۶ ماه گذشته رخ داده است. این گزارش باعث شد که ۲ مأمور بازداشت شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه با مقامات محلی درگیر می‌شد.

« ۱۵ فوریه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین سرمقاله خود را درباره آزادی مطبوعات نوشت. سرمقاله نوشت: « روزنامه‌ای که از ترس بنویسد، روزنامه‌ای که از طمع بنویسد، روزنامه‌ای که از دستور بنویسد، روزنامه نیست. ما می‌خواهیم روزنامه‌ای باشیم که از مردم بنویسد. » این سرمقاله باعث شد که ۲ روزنامه دیگر نیز درباره آزادی مطبوعات نوشتند. این اولین بار بود که یک روزنامه بحث آزادی مطبوعات را مطرح می‌کرد.

« ۲۰ فوریه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره آموزش را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ مدرسه‌ای ندارند و کودکان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ معلم به روستاها اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام معلم به روستا شد.

« ۲۵ فوریه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک کشاورز منتشر کرد. کشاورز گفت: « من ۱۲ جریب زمین دارم اما هیچ کس از من نمی‌پرسد که من چه می‌کارم. » این مصاحبه باعث شد که ۳ کشاورز دیگر نامه بنویسند. این اولین بار بود که یک روزنامه به نامه‌های کشاورزان پاسخ می‌داد.

« ۱ مارس ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره بهداشت روستاها را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ پزشکی ندارند و مردم برای درمان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ پزشک به منطقه اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام پزشک به روستا شد.

« ۵ مارس ۱۹۳۰ — حقیقت اولین سرمقاله خود را درباره آزادی مطبوعات نوشت. سرمقاله نوشت: « روزنامه‌ای که از ترس بنویسد، روزنامه‌ای که از طمع بنویسد، روزنامه‌ای که از دستور بنویسد، روزنامه نیست. ما می‌خواهیم روزنامه‌ای باشیم که از مردم بنویسد. » این سرمقاله باعث شد که ۲ روزنامه دیگر نیز درباره آزادی مطبوعات نوشتند. این اولین بار بود که یک روزنامه بحث آزادی مطبوعات را مطرح می‌کرد.

« ۱۰ مارس ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره فساد در شهرداری را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۳ مورد اختلاس در ۶ ماه گذشته رخ داده است. این گزارش باعث شد که ۲ مأمور بازداشت شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه با مقامات محلی درگیر می‌شد.

« ۱۵ مارس ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک معلم روستایی منتشر کرد. معلم گفت: « من ۱۲ کودک دارم که هر روز ۳ ساعت راه می‌روند تا به مدرسه برسند. اما هیچ کس از ما نمی‌پرسد که ما چه می‌خواهیم. » این مصاحبه باعث شد که ۲ روستا درخواست مدرسه بدهند. این اولین بار بود که یک معلم روستایی با روزنامه صحبت می‌کرد.

« ۲۰ مارس ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره آموزش را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ مدرسه‌ای ندارند و کودکان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ معلم به روستاها اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام معلم به روستا شد.

« ۲۵ مارس ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک کشاورز منتشر کرد. کشاورز گفت: « من ۱۲ جریب زمین دارم اما هیچ کس از من نمی‌پرسد که من چه می‌کارم. » این مصاحبه باعث شد که ۳ کشاورز دیگر نامه بنویسند. این اولین بار بود که یک روزنامه به نامه‌های کشاورزان پاسخ می‌داد.

« ۱ آوریل ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره بهداشت روستاها را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ پزشکی ندارند و مردم برای درمان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ پزشک به منطقه اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام پزشک به روستا شد.

« ۵ آوریل ۱۹۳۰ — حقیقت اولین سرمقاله خود را درباره آزادی مطبوعات نوشت. سرمقاله نوشت: « روزنامه‌ای که از ترس بنویسد، روزنامه‌ای که از طمع بنویسد، روزنامه‌ای که از دستور بنویسد، روزنامه نیست. ما می‌خواهیم روزنامه‌ای باشیم که از مردم بنویسد. » این سرمقاله باعث شد که ۲ روزنامه دیگر نیز درباره آزادی مطبوعات نوشتند. این اولین بار بود که یک روزنامه بحث آزادی مطبوعات را مطرح می‌کرد.

« ۱۰ آوریل ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره فساد در شهرداری را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۳ مورد اختلاس در ۶ ماه گذشته رخ داده است. این گزارش باعث شد که ۲ مأمور بازداشت شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه با مقامات محلی درگیر می‌شد.

« ۱۵ آوریل ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک معلم روستایی منتشر کرد. معلم گفت: « من ۱۲ کودک دارم که هر روز ۳ ساعت راه می‌روند تا به مدرسه برسند. اما هیچ کس از ما نمی‌پرسد که ما چه می‌خواهیم. » این مصاحبه باعث شد که ۲ روستا درخواست مدرسه بدهند. این اولین بار بود که یک معلم روستایی با روزنامه صحبت می‌کرد.

« ۲۰ آوریل ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره آموزش را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ مدرسه‌ای ندارند و کودکان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ معلم به روستاها اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام معلم به روستا شد.

« ۲۵ آوریل ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک کشاورز منتشر کرد. کشاورز گفت: « من ۱۲ جریب زمین دارم اما هیچ کس از من نمی‌پرسد که من چه می‌کارم. » این مصاحبه باعث شد که ۳ کشاورز دیگر نامه بنویسند. این اولین بار بود که یک روزنامه به نامه‌های کشاورزان پاسخ می‌داد.

« ۱ مه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره بهداشت روستاها را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ پزشکی ندارند و مردم برای درمان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ پزشک به منطقه اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام پزشک به روستا شد.

« ۵ مه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین سرمقاله خود را درباره آزادی مطبوعات نوشت. سرمقاله نوشت: « روزنامه‌ای که از ترس بنویسد، روزنامه‌ای که از طمع بنویسد، روزنامه‌ای که از دستور بنویسد، روزنامه نیست. ما می‌خواهیم روزنامه‌ای باشیم که از مردم بنویسد. » این سرمقاله باعث شد که ۲ روزنامه دیگر نیز درباره آزادی مطبوعات نوشتند. این اولین بار بود که یک روزنامه بحث آزادی مطبوعات را مطرح می‌کرد.

« ۱۰ مه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره فساد در شهرداری را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۳ مورد اختلاس در ۶ ماه گذشته رخ داده است. این گزارش باعث شد که ۲ مأمور بازداشت شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه با مقامات محلی درگیر می‌شد.

« ۱۵ مه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک معلم روستایی منتشر کرد. معلم گفت: « من ۱۲ کودک دارم که هر روز ۳ ساعت راه می‌روند تا به مدرسه برسند. اما هیچ کس از ما نمی‌پرسد که ما چه می‌خواهیم. » این مصاحبه باعث شد که ۲ روستا درخواست مدرسه بدهند. این اولین بار بود که یک معلم روستایی با روزنامه صحبت می‌کرد.

« ۲۰ مه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره آموزش را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ مدرسه‌ای ندارند و کودکان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ معلم به روستاها اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام معلم به روستا شد.

« ۲۵ مه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک کشاورز منتشر کرد. کشاورز گفت: « من ۱۲ جریب زمین دارم اما هیچ کس از من نمی‌پرسد که من چه می‌کارم. » این مصاحبه باعث شد که ۳ کشاورز دیگر نامه بنویسند. این اولین بار بود که یک روزنامه به نامه‌های کشاورزان پاسخ می‌داد.

« ۱ ژوئن ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره بهداشت روستاها را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ پزشکی ندارند و مردم برای درمان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ پزشک به منطقه اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام پزشک به روستا شد.

« ۵ ژوئن ۱۹۳۰ — حقیقت اولین سرمقاله خود را درباره آزادی مطبوعات نوشت. سرمقاله نوشت: « روزنامه‌ای که از ترس بنویسد، روزنامه‌ای که از طمع بنویسد، روزنامه‌ای که از دستور بنویسد، روزنامه نیست. ما می‌خواهیم روزنامه‌ای باشیم که از مردم بنویسد. » این سرمقاله باعث شد که ۲ روزنامه دیگر نیز درباره آزادی مطبوعات نوشتند. این اولین بار بود که یک روزنامه بحث آزادی مطبوعات را مطرح می‌کرد.

« ۱۰ ژوئن ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره فساد در شهرداری را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۳ مورد اختلاس در ۶ ماه گذشته رخ داده است. این گزارش باعث شد که ۲ مأمور بازداشت شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه با مقامات محلی درگیر می‌شد.

« ۱۵ ژوئن ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک معلم روستایی منتشر کرد. معلم گفت: « من ۱۲ کودک دارم که هر روز ۳ ساعت راه می‌روند تا به مدرسه برسند. اما هیچ کس از ما نمی‌پرسد که ما چه می‌خواهیم. » این مصاحبه باعث شد که ۲ روستا درخواست مدرسه بدهند. این اولین بار بود که یک معلم روستایی با روزنامه صحبت می‌کرد.

« ۲۰ ژوئن ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره آموزش را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ مدرسه‌ای ندارند و کودکان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ معلم به روستاها اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام معلم به روستا شد.

« ۲۵ ژوئن ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک کشاورز منتشر کرد. کشاورز گفت: « من ۱۲ جریب زمین دارم اما هیچ کس از من نمی‌پرسد که من چه می‌کارم. » این مصاحبه باعث شد که ۳ کشاورز دیگر نامه بنویسند. این اولین بار بود که یک روزنامه به نامه‌های کشاورزان پاسخ می‌داد.

« ۱ ژوئیه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره بهداشت روستاها را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ پزشکی ندارند و مردم برای درمان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ پزشک به منطقه اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام پزشک به روستا شد.

« ۵ ژوئیه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین سرمقاله خود را درباره آزادی مطبوعات نوشت. سرمقاله نوشت: « روزنامه‌ای که از ترس بنویسد، روزنامه‌ای که از طمع بنویسد، روزنامه‌ای که از دستور بنویسد، روزنامه نیست. ما می‌خواهیم روزنامه‌ای باشیم که از مردم بنویسد. » این سرمقاله باعث شد که ۲ روزنامه دیگر نیز درباره آزادی مطبوعات نوشتند. این اولین بار بود که یک روزنامه بحث آزادی مطبوعات را مطرح می‌کرد.

« ۱۰ ژوئیه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره فساد در شهرداری را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۳ مورد اختلاس در ۶ ماه گذشته رخ داده است. این گزارش باعث شد که ۲ مأمور بازداشت شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه با مقامات محلی درگیر می‌شد.

« ۱۵ ژوئیه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک معلم روستایی منتشر کرد. معلم گفت: « من ۱۲ کودک دارم که هر روز ۳ ساعت راه می‌روند تا به مدرسه برسند. اما هیچ کس از ما نمی‌پرسد که ما چه می‌خواهیم. » این مصاحبه باعث شد که ۲ روستا درخواست مدرسه بدهند. این اولین بار بود که یک معلم روستایی با روزنامه صحبت می‌کرد.

« ۲۰ ژوئیه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره آموزش را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ مدرسه‌ای ندارند و کودکان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ معلم به روستاها اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام معلم به روستا شد.

« ۲۵ ژوئیه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک کشاورز منتشر کرد. کشاورز گفت: « من ۱۲ جریب زمین دارم اما هیچ کس از من نمی‌پرسد که من چه می‌کارم. » این مصاحبه باعث شد که ۳ کشاورز دیگر نامه بنویسند. این اولین بار بود که یک روزنامه به نامه‌های کشاورزان پاسخ می‌داد.

« ۱ اوت ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره بهداشت روستاها را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ پزشکی ندارند و مردم برای درمان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ پزشک به منطقه اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام پزشک به روستا شد.

« ۵ اوت ۱۹۳۰ — حقیقت اولین سرمقاله خود را درباره آزادی مطبوعات نوشت. سرمقاله نوشت: « روزنامه‌ای که از ترس بنویسد، روزنامه‌ای که از طمع بنویسد، روزنامه‌ای که از دستور بنویسد، روزنامه نیست. ما می‌خواهیم روزنامه‌ای باشیم که از مردم بنویسد. » این سرمقاله باعث شد که ۲ روزنامه دیگر نیز درباره آزادی مطبوعات نوشتند. این اولین بار بود که یک روزنامه بحث آزادی مطبوعات را مطرح می‌کرد.

« ۱۰ اوت ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره فساد در شهرداری را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۳ مورد اختلاس در ۶ ماه گذشته رخ داده است. این گزارش باعث شد که ۲ مأمور بازداشت شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه با مقامات محلی درگیر می‌شد.

« ۱۵ اوت ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک معلم روستایی منتشر کرد. معلم گفت: « من ۱۲ کودک دارم که هر روز ۳ ساعت راه می‌روند تا به مدرسه برسند. اما هیچ کس از ما نمی‌پرسد که ما چه می‌خواهیم. » این مصاحبه باعث شد که ۲ روستا درخواست مدرسه بدهند. این اولین بار بود که یک معلم روستایی با روزنامه صحبت می‌کرد.

« ۲۰ اوت ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره آموزش را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ مدرسه‌ای ندارند و کودکان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ معلم به روستاها اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام معلم به روستا شد.

« ۲۵ اوت ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک کشاورز منتشر کرد. کشاورز گفت: « من ۱۲ جریب زمین دارم اما هیچ کس از من نمی‌پرسد که من چه می‌کارم. » این مصاحبه باعث شد که ۳ کشاورز دیگر نامه بنویسند. این اولین بار بود که یک روزنامه به نامه‌های کشاورزان پاسخ می‌داد.

« ۱ سپتامبر ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره بهداشت روستاها را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ پزشکی ندارند و مردم برای درمان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ پزشک به منطقه اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام پزشک به روستا شد.

« ۵ سپتامبر ۱۹۳۰ — حقیقت اولین سرمقاله خود را درباره آزادی مطبوعات نوشت. سرمقاله نوشت: « روزنامه‌ای که از ترس بنویسد، روزنامه‌ای که از طمع بنویسد، روزنامه‌ای که از دستور بنویسد، روزنامه نیست. ما می‌خواهیم روزنامه‌ای باشیم که از مردم بنویسد. » این سرمقاله باعث شد که ۲ روزنامه دیگر نیز درباره آزادی مطبوعات نوشتند. این اولین بار بود که یک روزنامه بحث آزادی مطبوعات را مطرح می‌کرد.

« ۱۰ سپتامبر ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره فساد در شهرداری را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۳ مورد اختلاس در ۶ ماه گذشته رخ داده است. این گزارش باعث شد که ۲ مأمور بازداشت شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه با مقامات محلی درگیر می‌شد.

« ۱۵ سپتامبر ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک معلم روستایی منتشر کرد. معلم گفت: « من ۱۲ کودک دارم که هر روز ۳ ساعت راه می‌روند تا به مدرسه برسند. اما هیچ کس از ما نمی‌پرسد که ما چه می‌خواهیم. » این مصاحبه باعث شد که ۲ روستا درخواست مدرسه بدهند. این اولین بار بود که یک معلم روستایی با روزنامه صحبت می‌کرد.

« ۲۰ سپتامبر ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره آموزش را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲ روستا هیچ مدرسه‌ای ندارند و کودکان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که ۳ معلم به روستاها اعزام شوند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام معلم به روستا شد.

« ۲۵ سپتامبر ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک کشاورز منتشر کرد. کشاورز گفت: « من ۱۲ جریب زمین دارم اما هیچ کس از من نمی‌پرسد که من چه می‌کارم. » این مصاحبه باعث شد که ۳ کشاورز دیگر نامه بنویسند. این اولین بار بود که یک روزنامه به نامه‌های کشاورزان پاسخ می‌داد.

حقیقت ۱۰ سال پیش در چه مسائلی می‌نوشت؟ بازخوانی نخستین سرمقاله‌های روزنامه منتشر شده در ۱۴ مارس ۱۹۳۰

حقیقت در آغاز کار خود با کمبود کاغذ، تهدید مقامات محلی و کمبود خواننده روبرو بود. این بازخوانی نخستین سرمقاله‌های منتشر شده در ۱۴ مارس ۱۹۳۰ را نشان می‌دهد که روزنامه از همان روز اول چه می‌گفت و چه می‌خواست.

در ۱۴ مارس ۱۹۳۰، روزنامه حقیقت با ۱۲ صفحه و تیراژ ۱۲۰۰ نسخه منتشر شد. در آن روز، هیچ کس نمی‌دانست که این روزنامه تا ۱۰ سال دیگر چه سرنوشتی خواهد داشت. اما ما می‌دانستیم که چرا آن را منتشر کرده‌ایم. این بخش، مرور ۱۰ سال گذشته حقیقت است، با همان زبان و همان دغدغه‌هایی که در آن روز داشتیم.

« ۶ ژانویه ۱۹۳۰ — سردبیر حقیقت، علی‌اکبر نوری، در سرمقاله نوشت: « ما روزنامه‌ای می‌خواهیم که نه به قدرت تعلق دارد و نه به ثروتمندان. ما روزنامه‌ای می‌خواهیم که به مردم تعلق دارد. اگر ۱۰۰۰ نفر ما را بخوانند، ما ادامه می‌دهیم. اگر ۱۰ نفر ما را بخوانند، ما باز هم ادامه می‌دهیم. زیرا حقیقت برای ۱۰ نفر هم ارزش دارد. »

« ۸ ژانویه ۱۹۳۰ — نخستین گزارش حقیقت درباره قیمت نان در بازار مرکزی منتشر شد. گزارش نشان داد که قیمت نان در ۳ ماه گذشته ۴۰ درصد افزایش یافته است. این گزارش باعث شد که ۲ نانوا مورد بازپرسی قرار گیرند. این اولین گزارش حقیقت بود که مستقیماً به زندگی مردم مربوط می‌شد.

« ۱۲ ژانویه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک کشاورز منتشر کرد. کشاورز گفت: « ما مالیات می‌دهیم اما هیچ کس از ما نمی‌پرسد که ما چه می‌کاریم. ما روزنامه‌ای می‌خواهیم که از ما بپرسد. » این مصاحبه بازتاب گسترده‌ای در روستاها داشت و تیراژ روز بعد به ۱۵۰۰ نسخه رسید.

« ۱۴ ژانویه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین تیتر خود را درباره کمبود کاغذ زد. ما ۳ روز نتوانستیم چاپ کنیم. این اولین بار بود که ما با مشکل کاغذ روبرو شدیم. ما به خوانندگان گفتیم که چرا روزنامه نیامده است. این صداقت باعث شد که خوانندگان بیشتری به ما اعتماد کنند.

« ۱۸ ژانویه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین نامه خود را از خوانندگان چاپ کرد. نامه‌ها از ۱۲ شهر مختلف آمده بود. یکی از خوانندگان نوشت: « من سواد ندارم اما کسی برای من می‌خواند. من می‌خواهم بدانم که چرا آب روستای ما هنوز لوله‌کشی نشده است. » این نامه باعث شد که حقیقت یک بخش ثابت به نامه‌ها اختصاص دهد.

« ۲۰ ژانویه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره بیکاری را منتشر کرد. گزارش نشان داد که ۱۲۰ کارگر در ۳ ماه گذشته اخراج شده‌اند و هیچ توضیحی به آنان داده نشده است. این گزارش باعث شد که ۳ کارگر به حقیقت مراجعه کنند و شکایت خود را مطرح کنند. این اولین بار بود که یک روزنامه از طرف کارگران صحبت می‌کرد.

« ۲۵ ژانویه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین سرمقاله خود را درباره آموزش نوشت. سرمقاله نوشت: « یک روستا بدون مدرسه، یک روستا بدون آینده است. ما می‌خواهیم بدانیم که چرا بودجه آموزش روستاها ۱۰ برابر کمتر از بودجه شهرهاست. » این سرمقاله باعث شد که ۲ نماینده مجلس درباره بودجه آموزش سؤال کنند. این اولین بار بود که یک روزنامه بر سیاست آموزشی تأثیر می‌گذاشت.

« ۳۰ ژانویه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین گزارش خود درباره بهداشت روستاها را منتشر کرد. گزارش نشان داد که در ۱۲ روستا هیچ پزشکی وجود ندارد و مردم برای درمان ۴۰ کیلومتر راه می‌روند. این گزارش باعث شد که وزارت بهداشت ۳ پزشک به منطقه اعزام کند. این اولین بار بود که یک روزنامه باعث اعزام پزشک به روستا شد.

« ۱ فوریه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین مصاحبه خود را با یک معلم روستایی منتشر کرد. معلم گفت: « من ۱۲ کودک دارم که هر روز ۳ ساعت راه می‌روند تا به مدرسه برسند. اما هیچ کس از ما نمی‌پرسد که ما چه می‌خواهیم. » این مصاحبه باعث شد که ۲ روستا درخواست مدرسه بدهند. این اولین بار بود که یک معلم روستایی با روزنامه صحبت می‌کرد.

« ۵ فوریه ۱۹۳۰ — حقیقت اولین نامه خود را از یک زن بیسواد چاپ کرد. زن نوشت: « من نمی‌دانم چه بنویسم اما می‌خواهم بگویم که شوهرم را به زندان برده‌اند و کسی به ما کمک نمی‌کند. » این نامه باعث شد که ۳ خانواده دیگر نام

حرية مقهورة بالدنيا

مرا و ميرنجر مسار جرح نمي وخدمت

مكتوبات وحدت

ميرنجر مدت حكام بنا جاه مكتوبت مكن ومدت

جاه و ميرنجر مسار جاه مكتوبت مكن ومدت ، ميرنجر حكام م جاه جاه مكتوبت م ومدت مكتوبت م جاه ميرنجر مسار جاه مكتوبت مكن ومدت ميرنجر مسار جاه مكتوبت مكن ومدت م جاه ميرنجر مسار جاه مكتوبت مكن ومدت م جاه ميرنجر مسار جاه مكتوبت مكن ومدت م جاه

Эмч б Мэргэжлийн зөвлөгөө

Ханцагаан Ардын Эмнэлэгийн Дотрын эмч Ц. Ганболд

Ханцаг

Ханцагаар өвчтэй хүмүүс ихэвтэй байдаг нь Монгол орны ихэнх нутаг дэвсгэрт ургадаг ургамлыг ашиглах, ялангуяа ханцагаар ургадаг ургамлыг ашиглах ёсгүй гэсэн ойлголтоос болоо гэж ойлгогдоно. Ханцагаар ургадаг ургамлыг ашиглах ёсгүй гэсэн ойлголт ямар ямар зүйлсийг хамардаг вэ гэдгийг ойлгуулах, ханцагаар ургадаг ургамлыг ашиглах ёсгүй гэсэн ойлголтоо ямар ямар зүйлсийн талаар